

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم، شماره پنجم، پائیز ۱۳۸۹

صفحات: ۴۹-۵۹

تاریخ وصول: ۸۹/۹/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۱۶

نقش اشتغال زنان در توسعه

مرجان علیزاده*

چکیده

یکی از مباحث اساسی در زمینه ی توسعه، میزان بهره گیری درست و منطقی از توانایی ها و استعدادهای نیروی انسانی هر جامعه است. نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود. در جهت این پویایی بی تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه ی جامعه دارند زیرا هدف هر جامعه ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه ی درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان و ... می باشد. در این مقاله به بررسی نقش اشتغال زنان در توسعه پرداخته شده است.

کلید واژگان: اشتغال، توسعه، زن

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، گروه روانشناسی، ایران

مقدمه

زنان یکی از مهمترین گروههای اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و درعین حال موثر بران میباشند. این گروه عظیم اجتماعی از آنجا که ارتباط موثری با گروههای اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی نقش فعالی را در پیشرفتهای اجتماعی و توسعه پایدار آن ایفا می کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین کنندهایی در فعالیتهای اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین کننده ای بر عهده دارند. به همین دلیل کشورهای که در مسیر توسعه سازنده قرار دارند؛ به این امر مهم پی برده اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در گرو وجود زنان فعال و موثر در جامعه می باشد. آموزش زنان و مشارکت آنان نقش مهمی در توسعه کشور داشته به گونه ای که حدود نیمی از جمعیت شاغلین را زنان تشکیل می دهند. لذا زنان در جامعه یک حرکت اساسی و حساسی را ایفا می کنند؛ همچنین نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می گردد (هاشمی، ۱۳۸۸).

عدم بهره وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می سازد. آمارهای موجود حاکی از آن است که امروز زنان ایران در جایگاه و منزلتی دوگانه قرار دارند. از نظر شاخص های بهداشتی، آموزشی زنان ایران در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبه بسیار پایینی دارند (سفیری، ۱۳۸۲).

با نگاهی به اجتماع، قوانین (شامل قوانین ناظر بر خانواده و قوانین کار) سنت و عرف اجتماعی درمی یابیم که نگرش حاکم، مرد را نان آور خانه تلقی می نماید و بنا به همین نگرش مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان لازم و ضروری به شمار نمی آید. در حالی که با توجه به افزایش سطح سواد دختران و نیز سهم قبول شدگان دختر در دانشگاه ها، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش بعد خانوار و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع نرخ مشارکت زنان در سال های آتی قطعی است و باید برای ایجاد فرصت های شغلی مناسب، با توجه به سطح سواد و مهارت آن ها برنامه ریزی شود. لذا برنامه ریزان توسعه همواره باید در نظر داشته باشند که در ارتقای شرایط اجتماعی، زنان، شهروندان درجه دوم، ضعیف یا حاشیه ای نیستند، بلکه برای رسیدن به شرایط مطلوب اجتماعی، باید بر نقش زنان به عنوان فعال اقتصادی تاکید شود زیرا عدم بهره وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می سازد (حاجیان، ۱۳۸۵).

اشتغال در معنی خاص خود عبارت است از تطابق نیروی انسانی با فرصتهای شغلی و درجه ی تطبیق این نیرو با حرفه ها و فعالیت های موجود در یک جامعه (اسحاق حسینی، ۱۳۸۲).

وجود نابرابری ها در دستیابی به فرصت های شغلی مختلف، میان زنان و مردان و نرخ مشارکت متفاوت آنان در بازار کار از چند نظر حائز اهمیت است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- وجود نابرابری ها در زمینه ی اشتغال مانعی است برای ورود زنان به برخی مشاغلی که در برداشت

های عامیانه، مردانه تلقی می شود، و سبب انعطاف ناپذیری بازار کار می گردد.

۲- نابرابری ها بر روی تحصیلات و آموزش و فراگیری مهارت های نسل بعد تاثیر منفی می گذارد، چون تصمیمات والدین برای تعیین سطح تحصیلات دختران و پسران و سمت و سوی آن با توجه به فرصت های شغلی شکل می گیرد و موقعیت پایین تر زنان در بازار کار سبب بی عدالتی و ناکارایی در بازار کار می شود و در طول زمان ماندگار می گردد

۳- نابرابری ها سبب می شود که تعدادی از زنان از بازار کار مزد و حقوق بگیری دور نگه داشته شوند، در حالی که افزایش اشتغال زنان نقش برجسته ای در کاهش میزان باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت دارد.

۴- وجود نابرابری ها و عدم دسترسی زنان به فرصت های شغلی، نقش مهمی در افزایش فقر، خصوصا برای زنان کارگر در جامعه دارد (مدنی پور، ۱۳۸۵).

در جامعه ای که مشارکت زنان در زمینه ی اشتغال و فعالیت های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش در آمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می شود. برعکس دسترسی محدود و نابرابر به فرصت های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم کاری پدیدار می شود خود از عمده ترین علل فقر است و برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس را مد نظر قرارداد و باید شناخت جایگاه و نقش زنان در توسعه و ابعاد گوناگون آن در کانون توجه برنامه ریزان توسعه قرار گیرد. در چند سال گذشته، مطالعات متعددی در مورد تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه ای، ملی، میزان اشتغال آنان و عوامل بازدارنده فعالیت زنان، نگرش ها و تمایلات زنان و نقش زنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده سازی افکار عمومی ملت ها، سیاستگذاران و برنامه ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است. از آنجایی که در بررسی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و تخصص مطرح است لذا سخن از اشتغال زن و رابطه آن با توسعه نیز امری ضروری است (غفاری، ۱۳۸۴).

تاریخچه اشتغال زنان در ایران

در گذشته در ایران نیز، کوشش مریبان بیشتر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری آنان توجه لازم نمی شد، زیرا تصور می کردند که زن تنها برای خانه داری و تولید مثل و پرورش کودک خلق شده است و حضور اجتماعی او مفید نبوده یا مضر می باشد. در دوران قاجار، جدایی زنان مرفه شهری از اجتماع به درجه ای بود که تنها هنگام حمام رفتن، شرکت در جلسات مذهبی یا میهمانی های زنانه می توانستند در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینه زندگی و رفع ضروریات، کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاه های بافندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است (اسحاق حسینی، ۱۳۸۲).

مشارکت زنان ایرانی در بازار کار، صد سال بعد از حضور همتایانشان در جوامع صنعتی بوده است

و این مشارکت، در طول سه دهه اخیر، با نوسان‌های شدیدی روبه‌رو شده است. طبق آمارهای ارائه شده، نرخ مشارکت زنان در بازار کار کشورهای پیشرفته امریکای شمالی و کانادا، حدود پنجاه درصد است، در حالی که این عدد در کشورهای خاورمیانه، بین یازده تا سیزده درصد است. نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود یازده درصد و بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی، بالغ بر سیزده درصد است. شاخص توسعه انسانی برای زنان در کشورهای توسعه یافته ۸۰ درصد، در کشورهای توسعه نیافته ۶۰ درصد مردان و در ایران شاخص، ۶۰ درصد مردان است. بررسی علل این تفاوت در کشورهای توسعه نیافته نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته بیشتر این تفاوت ناشی از اشتغال و سطح دستمزدهاست در حالی که در کشورهای توسعه نیافته علاوه بر تفاوت‌های مربوط به بازار کار، تفاوت در تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه نیز به چشم می‌خورد (صادقی و عمارزاده، ۱۳۸۳).

در کل، دو سوم کارهای انجام شده در جهان را زنان به عهده دارند. چنانچه به استعدادهای بالقوه این پتانسیل قوی - که انواع مختلف کارها را چه به صورت رسمی و چه غیررسمی انجام می‌دهند، توجه شود، می‌تواند آن را به یکی از بزرگ‌ترین منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه تبدیل کند (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰).

نحوه و لزوم مشارکت زنان و راهبردهای مناسب آن در ایران

در این بحث باید به دو محور اساسی در مورد مشارکت زنان جامعه توجه نمود:

توجه به محدودیت‌ها و موانع مشارکت زنان در فعالیت‌ها

برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه‌ای و غیر ساختاری می‌باشد. از موانع توسعه‌ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌توان نام برد و موانع غیر توسعه‌ای نیز به ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می‌گردد.

الف) موانع فرهنگی

با وجود این که عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت می‌باشد ولی مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را بوجود آورده است که در صورت عدم موفقیت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی نماید.

از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها

عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود

عدم آگاهی زنان از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت بالاتر بودن نرخ بی سوادی زنان نسبت به مردان
پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان

ب) موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی توان کاملاً از هم تفکیک کرد. موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست ولی با این حال مهم ترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می دانند. که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهم ترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه پذیری زنان ارزیابی می کنند. ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می نماید که باعث می شود زنان در زمینه های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش داوری های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد.

ج) موانع اقتصادی

در خصوص موانع اقتصادی مشارکت زنان می توان به عوامل ذیل اشاره نمود:
کارخانه داری بدون دستمزد: خانه داری که عمده ترین کار زنان در جامعه ما می باشد، فعالیت های اقتصادی گوناگونی را در بر می گیرد، نظیر امرار معاش از طریق کشاورزی در روستاها و تولید کالا و خدمات که این کارها بدون پرداخت دستمزد می باشد و هیچ ارزیابی اقتصادی از این فعالیت زنان به عنوان مادر و همسر در کاهش هزینه های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیر پولی انجام نمی شود (موسوی خامنه، ۱۳۷۹).

با احتساب فعالیت خانه داری به عنوان یک فعالیت تولیدی، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت جاری و ثابت حدود ۷۰ درصد افزایش می یابد. محاسبات نشان می دهد که در همه سال های مورد نظر، سهم تولید مردان نسبت به زنان بیشتر می باشد که عمده ترین دلایل آن می تواند نابرابری دریافتی مردان و زنان در فعالیت های مشابه از یک طرف و تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان از سوی دیگر باشد (سفیری، ۱۳۸۲).

اختلاف سطح دستمزدها: اختلافات در زمینه درآمدها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است، هر چند ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره وقت مشغول باشند. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می شود که در دوره های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده اند، زنان مجبور بوده اند برای بقای

خانواده در بخش غیر رسمی کار کنند و این چیزی است که یونیسف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می برد (موسوی خامنه، ۱۳۷۹).

محدودیت‌های شغلی زنان و هجوم زنان برای کسب مشاغل باعث می شود که عرضه نیروی کار زنان بیشتر از تقاضا شده و مدیران و کارفرمایان زنانی را استخدام کنند که دستمزد کمتری را خواهان هستند که موجب اختلاف دستمزدهای زنان نسبت به مردان شده و میل و رغبت زنان را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کاهش می دهد (فرضی، رنجبر، ۱۳۸۵).

در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می کنند، ولی حقوق زنان ۴۰ درصد کمتر از مردان می باشد، این تبعیض حتی در کشورهای توسعه یافته البته با شدت کمتری نیز وجود دارد، به عنوان مثال در کشور صنعتی و پیشرفته ای چون ژاپن، بسیار قابل توجه است که دستمزد زنان در مقابل مردان ۵۱ در برابر ۱۰۰ می باشد که نشان دهنده وضعیت بسیار نابرابر میان مردان و زنان می باشد بهترین وضعیت را در بین کشورهای توسعه یافته، سوئد با نابرابری ۹۰ در برابر ۱۰۰ دارا می باشد (اسحاقی، ۱۳۸۳).

نوع مشاغل: حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می شود از جمله معلمی، بهیاری و خدمت کاری در ادارات که در ادامه نقش‌های سنتی بدون مزد زن در خانه می باشد، تمرکز بیشتری دارد که از کیفیت پایینی برخوردار می باشد هم چنین دارای سطح دستمزدهای پایینتری نیز هستند لذا حضور زنان در این گونه مشاغل که آنان را به همان کارهایی که در فرهنگ سنتی در خانواده انجام می داده است، می گمارند نه تنها هیچ راهکار مناسبی برای مشارکت زنان ندارد بلکه آنان را عملاً از صحنه فعالیت اقتصادی دور نگه می دارد (سفیری، ۱۳۸۲).

بطور کلی، مشکلات و موانع اشتغال برای زنان مربوط به همه کشورها اعم از صنعتی و در حال توسعه می باشد، با این تفاوت که شدت و ضعف در آنها وجود دارد. بعضی عوامل مؤثرتر و بعضی دیگر تأثیر کم رنگ‌تری دارند. موانع غیر توسعه‌ای چون وضعیت فیزیولوژیک زنان و نظام شخصیتی آنان که از نظام فرهنگی و ارزش‌های جامعه نیز تأثیر می پذیرد در اکثر کشورها از مهم‌ترین موانع می باشد، و موانع توسعه‌ای که به ساختار کشورهای در حال توسعه مربوط است و با توجه به شرایط خاص هر کشوری لزوم توجه بیشتری به رفع موانع تعیین می گردد (سفیری، ۱۳۸۲).

۲. توجه به امکانات و قابلیت‌ها:

از جمله توانایی‌ها و امکانات موجود در زنان عبارتند از:

الف) وجود استعداد سرشار در زنان ایرانی

ب) تمایل و علاقه مندی بانوان ایرانی جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی

ج) فراهم آمدن شرایط مناسب فردی برای بانوان نظیر شجاعت در اظهار نظرها و تصمیم‌گیری‌ها

د) وجود نظر مساعد مسئولان مبنی بر گسترش میزان مشارکت زنان

ه) امکان دستیابی به مسئولیت‌های مهم مملکتی توسط بانوان

به طور کلی، مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت‌ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد منطقه‌ای و ملی می‌تواند در رشد و توسعه مشارکت زنان تأثیر بسزایی داشته باشد (اسحاقی، ۱۳۸۳).

پیامدهای مثبت اشتغال

با توجه به نقش، اشتغال در پویایی زندگی انسان، به برخی از پیامدهای مثبت اشتغال زنان اشاره می‌شود؛

الف) اشتغال زنان باعث افزایش آگاهی و بینش اجتماعی آنان و ایجاد روحیه‌ی اعتماد به نفس، رشد، استقلال فکری و روحی آنان می‌شود.

ب) کمک به فهم و درک مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات، چرا که با حضور آنان در اجتماع بیشتر مشکلات و مسائل زنان را فهمیده و سعی در رفع آن می‌نمایند.

ج) بالا رفتن منزلت زن در جامعه.

د) مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها باعث می‌شود از حالت انفعالی خارج شده و به صورت فعال در اجتماع حاضر شوند.

ه) آشنایی بیشتر با روشهای افزایش بهره‌وری امکانات مادی و معنوی خانواده و تلاش در جهت افزایش بهره‌وری.

و) افزایش توان مدیریتی زنان، که کمک به سزایی در تصمیم‌گیریهای اساسی خانواده خواهد کرد.

ز) کمک به حفظ شئون اسلامی و حفظ حریم زن و مرد، در صورت رعایت موازین از طرف زن شاغل.

ح) استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی در اثر فقر و نیاز مالی به خصوص در مورد زنان بیوه و مطلقه.

ط) کمک به اقتصاد خانواده.

ی) کمک به شادابی و سلامت روح و جلوگیری از افسردگی در اثر بیکاری و یکنواختی زندگی روزمره (خلدی ثابتی، ۱۳۷۸).

مردانی که همسران شاغل دارند، با کمک در امور خانه و تقسیم کار، زمینه‌های بهبود وضعیت روحی-روانی خود و همسران را فراهم می‌نمایند. همچنین با توجه به این که سلامت روان همسران با هم ارتباط مستقیم دارند، لذا در صورت افزایش همکاری و رضایت زناشویی و حمایت همسران شاغل از همدیگر، سلامت روان هر دو بالا می‌رود و خانواده‌ای سالم را به وجود می‌آورند و خانواده‌های سالم نیز اجتماع سالم را به منصفه ظهور می‌رسانند (کار، ۱۳۷۹).

راهکارهای نهادینه کردن مشارکت زنان

پس از پرداختن به بحث لزوم مشارکت زنان و شناخت محدودیت‌ها و موانع سر راه آنان، لازم است

راهکارهایی برای رفع این مشکلات و نهادینه کردن مشارکت آنان در اجتماع اعمال شود. امروزه گزارش‌های منتشر شده بانک جهانی نشان می‌دهد که جهان به این نتیجه رسیده است که توسعه اقتصادی، به تنهایی پاسخ‌گوی مفهوم کامل توسعه نمی‌باشد. بر اساس آخرین گزارش‌های جهانی، سرمایه‌های ملی یا ثروت ملی شامل ۳ منبع اصلی است که عبارتست از: ۱. منابع انسانی ۲. منابع فیزیکی ۳. منابع طبیعی. منابع فیزیکی و طبیعی فناپذیر بوده و پس از چند بار استفاده قابلیت و کارایی خود را از دست داده و از چرخه تولید خارج می‌شوند اما منبع انسانی، نه تنها فناپذیر است بلکه هر چه استفاده از آن بیشتر می‌شود کارایی آن بالاتر می‌رود زیرا تنها منبع قابل تکامل می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۲).

در یک نگاه اجمالی به ۳ کشور ژاپن، آلمان و ایران مشاهده می‌شود که منبع نیروی انسانی در کشور ما، تنها ۳۴ درصد از منابع و ثروت ملی را شامل می‌شود در حالی که این رقم در کشور ژاپن و آلمان بالای ۷۵ درصد می‌باشد (سفیری، ۱۳۸۲).

امروزه در جهان کسی را نمی‌توان یافت که فقط با توجه به امکانات فردی خود کار مهمی را انجام داده باشد. پس لازم است برای رسیدن به موفقیت در زمینه‌های گوناگون، هم سیاست‌های عمومی مدبرانه و عاقلانه را در پیش گرفته و هم به گسترش سازمان‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردم پرداخته شود. حال اگر می‌خواهیم زنان وارد عرصه جامعه شوند و از حقوق خدادادی خود به نحو احسن بهره‌مند شوند، چه اقداماتی باید انجام گیرد:

۱. به نقاط مثبت و ظرفیت‌های وجودی زن توجه شود.

۲. در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات نظام اداری، برای زنان فعالیت‌هایی در نظر گرفته شود که در آنها مؤثرتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشند زیرا امروزه با این روند حضور زنان در عرصه اشتغال نه تنها برابری و عدالت در مورد زنان تحقق پیدا نکرده است بلکه زمینه استثمار مضاعف را نیز فراهم آورده است. زیرا به اشتغال زنان، از دریچه نوعی اشتغال ارزان قیمت نگریسته می‌شود چون زنان در سطح دستمزد کمتری از مردان حاضر به کار می‌شوند.

۳. زنان خود نیز می‌توانند با ایجاد سازمان‌های غیر دولتی خیر خواهانه، گام بزرگی را در زمینه مشارکت برداشته و بسیاری از خوبیها و حرکتهای انسانی را در جامعه نهادینه کنند.

۴. از طرف دیگر دولت مردان کشور ما نیز بایستی با سیاست‌گذاری‌های خود فضای لازم را برای بوجود آمدن چنین سازمان‌هایی فراهم کنند؛ یعنی از یک طرف سازمان‌های مردمی ایجاد شود و از طرف دیگر نظام اداری، زمینه‌های پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی را فراهم کند (اسحاقی، ۱۳۸۳).

نتایج مشارکت زنان در اشتغال

۱. اشتغال زنان به کارهای غیر خانگی از بار تکفل می‌کاهد و هر چه بار تکفل کمتر باشد، درآمد سرانه بیشتر می‌شود و یکی از شاخص‌های توسعه، میزان بار تکفل است.
۲. افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد

سرانه را بالا می برد که موجب رشد و توسعه می شود.

۳. با افزایش مشارکت زنان در اشتغال، دسترسی مادران به فرصت‌های آموزشی بیشتر شده و موجب تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم‌گیری‌های زن در خانواده می شود.

۴. در سطح روستاها هر چه آموزش بیشتر باشد و تجزیه شغلی افزایش یابد و زنان همراه با مردان در استفاده از تکنولوژی‌های جدید مربوط به کشاورزی و صنایع دستی، آموزش‌های لازم را ببینند، باعث رشد اقتصادی کشور خواهند شد.

۵. در سطح شهرها هر چه زنان، تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند و تخصص‌های لازم جهت کسب مشاغل بالاتر را کسب نمایند، شرایط بهتری در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد شد (امینی زاده، ۱۳۸۴).

به‌طور کلی اگر از بعضی تنگ‌نظری‌ها به زنان که در جامعه ما وجود دارد، بگذریم؛ شرایط تا حدودی برای مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم است که با توجه جدی‌تر دولت در این زمینه و آگاهی و حرکت خود زنان، این نیروی بالقوه به کار گرفته خواهد شد تا بتوانیم گامی در جهت توسعه برداریم (موحدی، ۱۳۸۰).

ارائه راهکارها

- ۱- بررسی و شناخت مسائل و مشکلات زنان در جامعه.
- ۲- توجه به شاخصهای فرهنگی برجسته زنان در سالهای گذشته.
- ۳- توجه به شاخصهای غالب فرهنگی زنان در وضعیت فعلی.
- ۴- خودکارآمدی و خویشن بینی مثبت توسط خود زنان.
- ۵- فعال کردن انجمنها و صنفهای زنان در شاخص‌های مختلف توسعه.
- ۶- نوشتن مستندات و ساختن فیلمهایی جهت توسعه فرهنگهای ساختاری زنان در جامعه.
- ۷- بررسی سببها و شاخصهای زن در کتابها و مستندات تاریخی جهت انتقال آنها.
- ۸- بوجود آمدن کارگروههای مشورتی زنان در ادارات مختلف جهت توجه به خواسته‌ها و توقعات این گروه.
- ۹- انجام دادن تحقیق و بررسی توسط کارشناسان بمنظور شناخت مشکلات زنان.
- ۱۰- تشکیل تعاونی‌های خاص زنان در صنفها و بخشهای مختلف جامعه.
- ۱۱- اعطای وام‌ها و اعتبارات خاص در فعالیتهای و اقدامات اقتصادی زنان.
- ۱۲- تغییر نگرش در مورد زنان و اعتقادات فرهنگی لازم به این قشر.
- ۱۳- شناخت زنان نخبه در عرصه‌های مختلف و بکارگیری آنها در زمینه‌های متناسب.
- ۱۴- برگزاری همایش‌ها و کارگاههایی بمنظور ارتقاء مشارکت زنان در بخشهای مختلف توسعه جامعه.
- ۱۵- تشکیل سازمانها و مراکز غیر دولتی زنان به منظور پیگیری خواسته‌های این گروه (هاشمی، ۱۳۸۸).

بحث نتیجه گیری

پیشرفت سریع تکنولوژی مبنا و پایه اصلی تحولات در عرصه های گوناگون زندگی در جهان امروز است. علم و نوآوری مبتنی بر دانش عمدتاً جایگزین منابع فیزیکی در ایجاد فناوریهای نوین خواهد بود؛ مشروط بر آنکه توسعه سرمایه انسانی و سازماندهی و بهره گیری از آن در اولویت قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۸).

امروزه نرخ مشارکت زنان روندی فزاینده داشته است و از مهم ترین دلایل این افزایش را می توان در افزایش سطح تحصیلات زنان عنوان کرد. علاوه بر این عامل، افزایش سطح تحصیلات غالباً موجب بالا رفتن سن ازدواج و کاهش نرخ زاد و ولد گردیده که این موارد مشارکت در فعالیت های اقتصادی را تشدید نموده است و با توجه به این موارد پیش بینی می شود که در سالهای آینده نرخ مشارکت زنان و عرضه کار آنان همچنان از روندی فزاینده برخوردار شود؛ که این امر باعث رشد توسعه اقتصادی کشور می گردد. در عصر ما توسعه هدفی و الی است که در ایران و دیگر کشورها مورد توجه سیاستمداران مجریان امور بوده و کوششهای بسیاری در زمینه تحقق آن صورت پذیرفته است اما در این میان توجه چندانی به بحث جدی زنان، به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه نشده است. برای رفع این خلا باید تلاشهای گسترده ای برای مشارکت زنان در توسعه صورت پذیرد و استراتژی های جهانی به بوته آزمون نهاده شده و مناسب ترین آنان به کار گرفته شوند (الوانی، ضرغامی فرد، ۱۳۸۰).

دستیابی به هدفهای جنسیت و توسعه به هیچ روی کار آسانی نیست و حمایت همه افراد در سطوح مختلف دستگاههای دولتی و مجریان را می طلبد. این امر مستلزم کوششی است آگاهانه تا به مدد آن بتوان علائق و شور زنان و مردان را در جهت ترقی اجتماعی و اقتصادی به حرکت درآورد و از آن بهره جست. تحقق این مهم همچنین نیازمند وقوف کامل نسبت به نقشها، روابط و تلاشهای زنان و مردان در عرصه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. علاوه بر این لازم است برای ارزشگذاری فعالیتها گوناگون اقتصادی و غیراقتصادی، چارچوبی تدارک شود. از این گذشته رسیدن به هدفهای توسعه، به اندیشه و اقدامی جدی نیاز دارد که جهتی انسانی داشته و برای حل مسائل جنسیت الهام بخش باشد و آینده جامعه و نیازهای مردان و زنان را در هر سنی درک کند و برای تحقق این نیازها، همه مساعی خود را به کار گیرد.

افزون بر این، اقدامات دیگری باید صورت پذیرد، اولاً قبل از هر چیز لازم است هدفهای جنسیت و توسعه به خوبی روشن شود و در متن برنامه ها و دستاوردهایی که در کشور دنبال می شود قرار گیرد. ثانیاً چون این مفاهیم تازگی داشته و باره و رسم متعارف اندیشه توسعه سنتی سازگار نیست از این رو باید یک گروه طرفدار جنسیت در سازمانها به وجود آید و برای تحقق این اهداف مجدانه تلاش کند. بدین ترتیب باید در جهت سازماندهی مناسب زنان، توانمند ساختن آنها، توجه به منافع و سهم آنها در جریان توسعه و برخورداری از مواهب توسعه، برنامه ریزی لازم صورت پذیرد تا توسعه ای مناسب، متوازن و پایدار تحقق یابد که هدف آن تعالی و کرامت انسان اعم از زن و مرد است (غفاری، ۱۳۸۴).

منابع

- اسحاقی، حسین، (شهریور ۱۳۸۳). موانع، راهبردها و آسیب های مشارکت زنان، ماهنامه رواق اندیشه، سال چهارم.
- اسحاق حسینی، سید احمد، (۱۳۸۲). مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، (تهران: برگ زیتون)، صفحه ۱۹۰-۱۸۵.
- الوانی، مهدی، ضرغامی فرد، مژگان (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه، مجله تدبیر، شماره ۱۱۳.
- امینی زاده، محمدرضا (۱۳۸۴). جایگاه اخص و ممتاز زن، شرکت چاپ و نشر بین المللی وابسته به موسسه انتشارات امیر کبیر.
- تور کینگون، کارل، زنان شاغل، ترجمه شیرین خلدی ثابتی (۱۳۷۸). مشهد، نشر نیکو.
- حاجیانی، هادی (۱۳۸۵). بررسی اشتغال زنان در دوران زناشویی، انتشارات بهنامی، تهران.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۲). اشتغال زنان در توسعه رضایت شغلی و نوع مشاغل، مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، (تهران: برگ زیتون)، ص-۱۶۷-۱۶۸.
- صادقی، مسعود، عمارزاده، مصطفی (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل اقتصادی موثر در اشتغال زنان، تهران، نشریه پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). زنان و توسعه اجتماعی، مجله حقوق زنان، شماره ۱۰، انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تربیت معلم، تهران.
- فرضی، زهره، رنجبر، مسعود (۱۳۸۵). زن در قوانین و مقررات ایران، انتشارات مسعود رنجبر و زهره فرضی، تهران.
- کار، مهرانگیز، (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- مدنی پور، نادیا (۱۳۸۵). پیام زن، ش ۱۷۳، انتشارات پیام زن، قم.
- موسوی خامنه، مرضیه، (۱۳۷۱). زنان در فرایند توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- موحدی، بهناز، (۱۳۸۰). زنان، توسعه و تعدد نقشها، تهران، انتشارات برگ زیتون.
- نوروزی، لادن، (۱۳۸۲). تاثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار در زنان، تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، چاپ اول.
- هاشمی، سید احمد (۱۳۸۸). مقاله زن محور توسعه پایدار جامعه، www.Dr-Hashemi.com

The Role of Women Employment in Social Development

* M. Alizadeh

Abstract

One of the major topics in the field of development, just and reasonable rate of utilization of human resources capabilities and talents of each society. The role of employment in the dynamics of human life is undeniable, And it can be seen as human and social communication. To the dynamics of doubt, women are as half of the population, a direct impact on community development. Because the aim of every society, is to maximize social welfare And social welfare function of per capita income, fair distribution of income, improve educational facilities, health, welfare and social participation rate, economic, cultural, political men and women.

Keywords: Women Employment, Social Development

* Instructor in Department of Psychology, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran